

جامی ادارہ کے حکماں

میر - غلامیں کشمکش

ملک افاقاتے مکا تب

باید یعنوان فیل مانند

جنگل

هر چار چارہ بیج و قرآن خواہ

گت نمرہ مفت شاہی

جتنیخ

۵۳۳۱

قیمت اسٹرک

یکار ۰۵ فران

ناریخ چشتہ دہم، سیال نام ۱۳۲۶

ایں روزنامہ فقط نگاہ بان حقوقی ایمان و مسیح افکار مسلمانیان است

بلیزک دزد پری کے کمک داشت بامان پر کمک
تر و پر بر نسب دیگر خابح نموده ایران میہت دیده
بنابرآلات طرف اسی از ملل ضعیف جزو مملکات خود
کرده و در پارلمان لندن برای نزید شوکت داشت
امپراطوری بریتانی اسارت ایدی داشت میثیک
ایرانیان را قطع نمایند.
ایمان خدا ای قادر تهم میخواهد خدا جنابات این ملت
انسافت سورا به چه.

دست اقدیت قضا این حریت خدا ای را که برای قسم
نهال بشری مقص مغل عمل بود میخواهد که دلیل این
بلکه دستی که خارزی ای این سخن خالی از زیر و نفع
نماید اول ای
زیست و قیش نماید.

تعمیع، تهدید، خاد، و عدو و عیہ، و سارے دزدیک
 فقط شخصیں تراو ایکار ساکن بود بوضع اجر و روند
 که دولت آزاد و مدرس را ارجمند و مسامن ای خواست
 ای خوزنی مصرف داشتے بوسیده مقاومت در زدن
 روئینه و مدد و مشارک در محابا بخچہ مظہورہ را خود

قوں و مس رجوت میکند
صیہتی را که باز هار برداران روز میکد رانیدم، عمودی را که
مالی صبری مظلود فاعی آن بودیم، و مید ماسرا که اول دلت
و میوکر ایسی روکس در الہار موذقش داشتم، ایک
خوشخانہ میخواهی ایکار کر دیہ وجود خارجی پیدا نماید و مار
صلح کند که موافق زمام داران فضی و کارکنان
و میوکر ای مملک دولت روستہ قابل اعتماد میل
اطیبان است در عالم حقیقت طلبی میتوانیم چهابق اپرہ
پوشی کرده از قدر شناسی اغراض و خود داری نموده
از فرقه خال ای
نظام در مارلنڈن ہر مقدار قوه کہ در بازوی میات
مکار مظلوم آزار خود داشت اعمال نمود جرقدار
که دیپلوماسی بریتانی در مدارس مردم فریضیں
کر ده و ہمہ ای دلکشیوں حق کشی و ہمہ ای ای ای
ذخیرہ نموده بود مصروف داشت که بلکہ تا جذبیم
بھائی قوں مدرس را در ایران ادامہ دادہ پاں ای
فراغت از سرگرمی محابا ای امر و زی خشنام جگ
بین العلی اعلیٰ احراز (جیتیجہر) خود قوں در

دوس از گپلان که خط عبور معمول آنها است بسته به
پیروزی قدرت خود سر دل اطاعت قوی نیک آزادی‌طلبان
نظام خارج اطاعت از زمان دهان خود نکرده باشد
و پیاول سکنه بیطف مظلوم ایران پسر دارد (جهوی)
کفت که غالب این حرکات همچنین بر اثر تپکنگیست
در حدود غرب قزوین و نقاط و مکر سپاه ایجاد و نهایی
اهمی اقدام کردند برای جلوگیری از آنها که در حدود
گیلان به نظاره اخراجات مبادرت نکنند نه
اخراج نسلام مخلوق اقدامات جدی گشته باشند گان
دولت آزاد روس داخل مذکور را کردیده و جمعی از جانش
با تصویب نایندگان روستیه در اطراف شهر و خطوط
عبور قوئن برای مرقبت راه و حفاظت شهر گذاشت
نایندگان نظامی دولت آزاد روس نیز از پریز
ساخت و هر راهی خود را کرده بالآخره پس از
ذکر راه نایندگان نظامی روس و غیره راه
سابل طفین با توافق اراده هیئت و سابل جلوگیری از
خود نزدیک قوئن خود سرمهوده و پر و نکل را که برای
آگاهی و اطمینان عموم در این شماره درج میکنیم هفتم
نخوده که بلکه باین آزاده بر سرمهوده باشند

حاصل و بمحققین از پایی مرکزی بر قابض کاملاً
حریم عالم موقق گردد
خوازیزی های اخیر روستیه که دلایلی طوفان ایشان
را کیا ب میکند و قابع خوبین فعل آن خطا روستیه که
دل چرسنگ دلی را میزند از اثر نیات سوء
و شیوه میثوم بر لبانی بوده و بسته
بالجمله هرچه زدن گرفت و آنچه تلاش کرد آفرید
ترزیش بهدف زید بگنج فوره
روع و بیکار ای وقت گرفت فرقه نامدار صلح حسب
پس از این یک سدیمه مصائب طاقت فرسا توافق شد
چنگ و دخول در نزد کار مصالحه را پیدا نمودند.
غیری فرشته صلح عزیت نابکار چنگ را که در
دانان پروردش دولت انگلستان بیش نشود نمایند
نایود خواهند نمود.

قوئن روس هیئت میکند

دولت انگلستان حقیقی بدن های سسی و بخوان بپر
از فرقان روی برای افانت ایران و سعد امیران
دوادا ایت حریی انگلستان با (دو از این پیش جنوب) لای
نخوده که بلکه باین آزاده بر سرمهوده ایشان از روی

مکنیز فعلی سیاست قدرمه روستیه ایران بنیان از شماره قبل

ما نصف ایران به جا خراب و مردمانش سرگردان هستند. ایران در حالیکه بیطف بود بیشتر از دلایلی محابیت
مشغله و دویران شده است. آری تمام این قصور را و خراماً بجمع نجودات والبهه نهی که از رد قابت و از پیش
و از همیادلات لی خبر، خافل و ماحصل باشد پیچواز ازین نخواهند برد با اینه این خطا یا ماجرا یا مایه ای از اینه
و معاف نخواهند گذاشت از کردار و دوره قبار سو و خودشان نیست با اصرف نظر نیکند.

د فی که بیرق جهودیت روستیه افزایش شد قیام نی شروع گشت، میتو در گفت که ایرانیان حاضر این
تجدد و انقلاب بقدر در سهایلکه بیشتر خوشحال شدند. امر فرز غلب ایرانیان قائل باین نهیش که انقلاب
روستیه مقترنی آزادی استقلال ایران بیت هنپیور که پیشنا داشت از اینه مصلح روستیه استقلال تمام و تجدید دیند ای

اسلام شروع به می‌شاد و مذکوره شد که تماشی
بینت اتحاد اسلام و نایاندگان روای خودی این بیان
را به دو سهانه بیان آمد که این عهد نام امر و زور و خد
نظر بوده است مثاً فناز در این زمان اخیران ایله
در بعضی مواقع بوسیله روسی هنری گردیده که
این علت آن را به دستانه برخلاف عقاید با
مکنست منقطع شود و چند رابطه مهاجر کیان معده
له اخواه شنیدم اقدامات لازمه بین کاریں آورده
۲- این قشوں رشت پلکو پیک تر دیکیاندزه
در مقام جواب برآمده که مطلب فوق از تکرار نایاند
بینت اتحاد اسلام آقای غوث الله عان بن پیشید
کرده بود و من هم کلی مطالب را بزرگ برداشت
اف عرض کرده و سواد آن تلفن کرام را به رانی ساخته
اسلام و ادم.

و بزرگ برداشت اف سه ریاست کل اردویی که مفتر
مشنده وارد و نی که خارج می‌شوند وارد وی مخصوص
بزرگ فنگه داد چنانچه بزرگ فنگه هم را معرف
شند و قشوں بمقابلی که این رستورانه در خانه
می‌شوند و آنچه که راجح خود رشت است این است که بجز

که جان رمال و عرض دناموس این بان از هر قسم
در خوش گفتوسط بینت اتحاد اسلام با جهیت کامل خانه
خوبی خود را مرقب روزایی نظام و نایاندگان دیگر
روس بجا بسیار بینت و صد و تیز در هر حال صباخه همچو
مشنده تکلف نیست را که از این سید چشت و چکوز باشد
در این سه نگاه که خدا و طبیعت اینها ذهن دعوه
مره خود ارتقا و تعالی را دارد و فشار ناشد در عارضی
آشیه بقدری که قتل با خاک در تعقید آن بین ذکر خواهیم کرد
سر و لکل

پلاس کیبون حركت از نایاندگان بینت اتحاد اسلام
درین قشوں روسی در شهرت درین این لیک
و اخباری کیفیت روسیون روسی در شهر رتبه صیح
به اگرات از وفا یعنی مکن الحدوث خلاف قاعده که
از طرف شوئی که از خط رشت بجهود میکنند بالشه
باما رشت می‌شود و از جست تائین امامی و مکذا امورا
آنها تشییل می‌کرد.

همه مکان
پلکونیک تر دیکیاندزه
۱- از طرف آقای آقامیر مخصوص نایاندگان بینت اتحاد

وجبت این انتقاض بود با این آثار با پیشگیری را اول قدم در باره همراه عموی جهان حباب کرد.
مازی امید وارم که روایتی از خطا نایی خالیه بگات باقیه اریین دولت صلح و عدل بر خواجه شد علیه
هم حکم و سه انقلاب نیست . از بارها فرموش نشده است جنگ ناپیون و فرم که در وجه اراده از کنگره زمان خود را
آناده خلوع نموده ای کرده بودند .

حقیقت مفهای فاعلیت زمگانی ممل مقدار تخلی و مفاد است این است هر زمان خطر و ضرر از مرد در ایران با اسم جنگ
یک حکمت و جنگی قلی است . آیا هم اس سی و مخصوص این بینت را میدانیم روسی ملکه بعضی جای پیشیده اند با
اینکه از قول بعضی مفهیم و یا کار پر شهادون متفق و پدردن ماقنه صحیح حکم کرده اند :

بنیت جنگ با اتحاد اسلامی می‌گذارد که در محمد هسته دستگی کرد و بد و بعضی عاصی نیزند که بر
بگزه خلیم سرتیبلیم خشمگند اگر بعد خرازی خیزه و پیر بایان خود بگشود تو سین جنگل از این فصل اتحاد صند و مبلغ

اسلام خوده میگفتند.

اک، در نقطه وسط شهر شست منزل برای آنها پیش
بیانی روی رسید و رسیدن اینها را تایل کرد که برای خود
بیانی روی رسید و رسیدن اینها را تایل کرد.

۶- گیوں تفق القول اخبار تایل کرد که برای خود
آنها شسته شدند که از ساعت هشت بعد راه را که
ساعت از شب که شسته شدند احمدی از اذان قطعی برداشت
وقتی عجوب کننده از خط عراق براه رشت داشت
و داخل شدند.

۷- بخلاف اهدامات فوق لذکر نمایندگان روی نکار
بعد اینکه شدند که در ساعت از زهره برای حفظ اقبالی مت
اهمات پروردی در صورتیکه اخلال این فرار دادند خود را
رسانی شدند.

۸- در صورت وقوع اجحافی با اهل میت حقیقی چه از جثت
مال باشد را تکلی از طرف پیش می رویان اینجا فی نایند
بین اتحاد اسلام نوشته شد که تادیه خارت برگشی
کرد و از شده بعمل آمد.

۹- این پر اتکل یا بد زبان هارسی در دیگر شوشه
شود که اعضا کی نمیتوانند مضاہ نمایند.

۱۰- این پر اتکل در نسخه دو شش تیو دکه یکی برای نیش

پیشاد و تکلیف که من کردم یکدستی پیش می روی
در رشت نشانی دادند که برجه معلوم است از روی
جذبیت کار میکنند و خلاف کار بهار امر تفعی غیراز
بر سیله همان پیش می روی چند در بکان شربه
فرمی خبیط شده و تا در خصوص صحیفات قائم
بنجیل کسیون از اعماق شده که اکنون عمود است که داده
و پر اتکل در آن باب حاضر نموده اند که برای احراری
آن و تادیه خارت که تحریث شده اند برگشته
رسال خواه شد حالا لازم است مقام مقضا ذکر
اساسی پیش برشت که اینها نمایند و بهتر باشد
بعل آدمیم -

۱۱- پس از آن کرات زیاد کسیون را بن فاراداد
یک عدد پانزده قفری از طرف هیئت اتحاد اسلام
بعوان لکب پیش می روی که تکلیف پیدا کرده
بنجت کی عده آنها بدهند.

(ب) بیش پیش می روی دوستگاه فایلیون
دانی شهری بینند.
دو یکدستگاه تلفن نیز نیش قوش میگیرند
بلکه از این مصارف فوق لذکر را هیئت اتحاد

حکم خود را درباره آنان خواهد داد در وقت مأیس بیت جنگل چرخ کرد و تبعه روس و یا هکام ایران که دست
شانده روسها بوده بازده قوت داشت که خارج از محله تصور نبود. نایمه دی بهم را احاطه کرده بود ولی از این
اینها از اطراف رشادت و حقیقت میگشوده نگاه داده اند و همین نامند.

مقاصد جنگل عیت: یک کلاساده فقط خط استقلال ایران و معاویت اینها
واریاب انقلاب بلغه زیر میشیرم وطن پروری ایرانیان را نیز مایلی تقدیم کرد هم اینها اسلام که موجب آنها
بینی خانین شده است بخوب رسم و مهتم عصیان اینها خانه کل کل درین موضوع گوییم شاید بعضی بهم دنونم شده باشد
که بینکه احوال و دیگر این مملکت سواقه هسته بیدانند که تکلیفات فی الجمله این مملکت دولات عجم و پیش این نیست
چند خود من عالم نادی و مخفی در صد هشتاد و پرده حدیافت است. این اسم چون بگالت و ویژه مملکت
بینش هم این بیت اینها پیشده است و از اینها این نیست که تمام این اصمهم اتحاد کرده و پادشاهی علاقه دارم و این

پس تاریخ خود را شده مسد ویست اثر امکان پذیریست اکنون
حایلی درین آثارت دوین خوارد مسید مایه موقی خود را
ول در آثار امی تحویله داشت. اینست تازه اینکه این خلوص
خاد و خرابت هر روز باید نظرش کشته ایش قوی تیکی صد
در یکی قدم بعرصه وجود گذاشته و از فشار هم دست زدن هم کشند
بزرگ در روز ایند و اشمار ببر و حان طت بلطف آنده. جمل
کلیات و خوشیات و باس عقد از اصلاح مردم خلخال شد
دانی بجهل آثار بجات بظر نیز رسیده باش که ایندی بایی بجود
او ضاع مندوه نیزود یک دست در دشوار لامان از طلاقی
نام نهاده کرات دازنستی اسم و یحیی کرست بخود نهاده طت
دارد زیر پنجه خدا را خود کرد فتنه تراز قرون آریک غازون
آزادی ایغور بسیند خود ساخته اند. جمعی راهمن که پیاسی
دور گردند مایل است که درین ظایرین مشغول باشند فی رسی یعنی
با انس اصلاح بسیند و روز روشن در پایی است ترا تابع
میکند طت به بخت بدرست روحی اور و جمی از دان را داده
کیم خودی بیند. پیچاره طت: بجنت ایران! بجز ایا
درز غار گز کیم گوشه را بجامام و ببار اشغال کرده ریجان
هال و فکر مردم حکمرانی و دسته همی دیگر که معاذین و
کارچنگ کنان آن طرکان مستند بشم نفت ذخیر در فتن

فتوں شهری دوی بایی بیت استاد اسلام همی بیا
یکی بجمع روایون جملی رویی داده شود.
۹- قراه داده فوق تائید دو ماہ که تقریباً بعو قتوں
روکس از خطر داشت طول خواهد کشید بجزی دهول
خواهد شد.

پیان نامه ایست که از طهران باواره رسیده
و ما هم رسیده ایشی و لطفه روز نامه لگنگاری ایش
نو دیم عطا یه خود را در این چهوس موکول شدیده
ماهی آییه چهایم. ۲۴۶

پیان نامه
خان گل و ایه ایچور آسیا زند
شتره می شکنند های ایشی زند
پی ایکش و که نهاده بخدا کیه ای مجازات فرمان های
که از یعنی دهکس و همه اصلاحات را بلت داده بوده ایه
حاط نهاده بجهد و بیجا کری و چاول پرداختند. بدون پنکه
دیگر ایکشند که بیچاره بادجاري فریبه دلگل از زین و دیده
همن نیت بیکن آن گل بطریکی از بیعت نزدیه های خان
رو پیدون س برگهان خود.

تا سین ایگوئه کیه ای بر ایه خوابی هلاکت وزرا کم مراد خاده

در هب طرف بیوند استاد اسلامیان و علیات سبایت هم نمیوده این دلیل که چکونه خواهد شد انواع مراد
و حل سهلانی طباینه و عادات مختلف از سرگل ای شرق و با این بهه موانع قویه بیک نقطه جمع کرده و با
تکلیف وحدت سیاسیه بجهنده هر مسلم هم دین به هب خود را دوست دارو و حق اوست باید دوست
داشته باشد دلی ہر دوستی را شرکت دهد یعنی عقیده ایسب استاد اسلامی هم دین کار دلو افغان است با
هر حکومت ایسی مطابق مزاج عادات داخلی طت خود باشد تو خش رو مسلکی اسلوک که جمیهای دینی
و دو خات آنها را ایسی خوب و نهاده باشد بیجا و بی محور داشت زیرا مرد میداند که محضر حاضر که نهاده ایکاد
نیزی حقی باشاد ملی نیز صاغدت ندارد که استاد اسلامی مناخع مقابلي
در تاریخ آنکاره شت از برازی استاد بلت ایز بھر تکلیف داشت داریس نهض و کنایا و ساز خیره کافی نیست
اینطور چیزها فقط برازی وحدت یک شزاده مورث است. (کار بیواری) در ایسی (اینکی از ایسی) درینمان حبسیان

ول آزادی سی اصلی موجودیت به مملکتی که درینین توافق نایابی کرد و لشان یاری کسب نفعی نموده و ایناچه از دست داده چشمی نزد پسرستانه بر عکس رعنای این درجه جاده چار بدترین تقدیمات و قدر دنار است اسی قانون اعینی شده و مرکز فکری خوبی اخلاقی اینی معتقد نموده - در مملکتی که محتاج تمام اصلاحات مخصوصه است و هنگام خوش بخای بحث و مذاقه در مصلحه امور کرم فرازند - در مملکتی که بیچوری و فسخت اندزه ای خیل ببرد و چون نایاب رفاقت نمود این جست است که افزای دلخون مجموعه از ترقی و مصلحه از قیمت تاریخان خوش تباری کنند - اکنون کیمیه بگاز است - ابوجودی ایم ایم قیمت جمعی و بگرمهوت بیو زد - تا خرابی و غاده است این اوضاع گزاری بیو زد -

دو محکون گذشتند و بنت طفت که بچو زده نوبت داشت اکنون بهم بیو زده خود فهم بیدانند که اکاری خناداد و خطرناک نزین همی را بجهه همیکریم اسی ازاده جموردی که از خدا دلکریت خذابی ای دیگر دیگر خود را خود دایم برخیرد ای چنینی که هنوز منها هست خسرو و تبر را تا خود خواه و بده که این خانین بدهست نوید برخیرد - اسی با غافل همیکه در بیان خدا و مجاہدات صدیقانه شادگران برای خود پارک ساخته و داشت

تر و هر چه کوئی را سند کرده محمد امین خا برای مبلغ اتفاقی نایابی نموده از خواهی پکاره ای بسیج اندامی فردگذار نیاید عجب بحث است ای پر فیاضی است - دوازده سال بسته است اکمال چهاری مظلوم راه آهن بازداشت روت نفاوت معاف آزادی فائز و آبادی است در عرض شاهد میکند هر چند روز یکدهسته فرزان جدید خدا در بزم راعیت زده ذخود قدم بیدان خارت میگذرد اسی ملت کان مکن که این نخنده نفات اخراج و اشرف داده شوکت برخاست - خبر ای - فقط بعض اخلاقی است که موضوع کم وزن داری حصه فادر مگزی حاصل بیو زد - اکنون از عقول انساف می بلیسم افرادی که از بجات مرا طرف مسدود و دیده و دزدان و غارگران را دست به او نمی نهند و بالاخره بیخ این اوضاع را هم که خرامی و قلیک ملکت است مسامه همکنند پکنند ... خزانگ این پیشترین دلایل خود بینی هان غیرزا خاصی عادات کرو را بر جان حال دلیله نموده دست این نهادان را از زمامداری حلقه کوئاه سازند آیا جایین چاره دارند در مملکتی که حقی در حقیت لا هم شر و طیت آزادی هم امروزی نخواون مسامه نمیو - در مملکتی که تمام اخراج داشته باشد

ترین استیک در آلمان سکپیلات انقلابیون روکس در عهد تجیداد و غیره اینطور خود ای سپاسی آمده لازمه آیا بجهه خوت اینها آمان می خاصل بیور - عضویت تی و سیاسی اینسان ناآمن در بیان قیمتی فرنگی خسته است قسسه جیگل بین است که اینسان بیک جیش حاضر بیوز آجوانیه مخصوصه زندگانی برآید است بیاوردنه جیگل از نظار و دیمه قلبید و از است اکرم قیمین گذارند اصلاح ایزان محتاج زمانی خپه است و بطور تلت ایزرا داشت خطر خارجی و با خبروت ایهای باریشته ماسه بخواز جلب بحث - خود روسها میدانند که ایران بخت دیمه راه از شیشه اور دیمه ضریب کشیده دل مظاہر است روایتی حالت که درست و نجها کی گزشته بحث هوا پر خواوش نمود چون این بیفت خاکه است که در خلات این ای مکوز یهاد شد -

فروعه بگمارند و که آمال روایت از شرایط صالح و لازما ایکوشی اکریت روایات معلوم بیو دوین بجهه تاهم ای میت ملیمان باره مها را بر سرحد زمان بزرگترین مجدره دو سربی اندیمات است -

انجام دهدید ؟

پیهات بیهات اینکه کرد بجهات شاهزاده عزیز نجات
صلاح مفاسد بودند او از هیئت سابق افسوس که
بایان نامه بروج قدیمی به لطف اصلاح بمناسبتی بدل
ادخال ایران را پریشان نداشت باقی کردند :

ندوان کلان در ادارت جمعیت و تک از نتیجه جان بیداد
این بود روح اصلاحاتیکه بیان نامه کابینه ایندوده
دادر بکل قلوب فرد و آنکه بکشید : هر خدای پرورد
اصل وابسته بجهوده بجهود زیرا فرض بحث از جمیع که خود
و آیه اشان ای از این بیان در نشانه از بحث است .

برجهت بر این نیکه افکار عقلی ایران و دنیا را به تخت
خود متوجه سازیم و قبل از تمام آنکه اینکه مکنت ندوان
برای بیانش بودن خود در خارت وینا انتخاب کند پر
کرده باشیم ، اهلان میکنیم .

و گراین است . تکت چیزی مدارد که بینا برید . دروزی
خرارها فراز گرسنگی جان بیدادند ، شرمنی خود و اینبارهای قدر
باکشیده است . استبداد دروس و انجیلیں در داشت باره اینها
رفته و گران نیز از این خواهند رفت از اینچی برخی
دست بازدارید . و اندکی هم ایران فیل شوید . پرخی و لذت
اولاد و اربوشن باعیضی درجه رسیده در هنر آبادی هنک
باشید . اگر احمد روز بزرگت بجه نشود و بسته که گوش نمیبرد

از وخته اند ، و بیک حله پیرا زین رواباه صفاتان نیز
را بسراخنا فرار دهید . برخیزید ای جوانانی که بی بهجه
و غوغای فداکاری نموده اید و اکنون مثاوه کشت ریش
امور قلمتی چنان را تیره و تارساخته ، این در هنگیان
شوت زان را کشیده از هر قدر و تعالی هنگسته بوجی
اصول آدمیت شده اند از میان بردارید . برخیزید که راه
بجات صدد ده . دولت رفسک غارت نلت . پیداری
اخواب آزادی درست چاپول . هنگسته پایان نهشتو را جان
رها با دلت بجت تقلیل تیر و نیره و شمان . فتحی ع
فرمایی بجت بعنی نواده ای کیان و ساسان رخیا بنا
و کوچه ای و پایانه ای گرسنگی جان بیدادند . برخیزید ای
اسی وطن پرستاییکه آرزوی همیزی بآلمان و هنگلیس و ایشان
برخیزید که وطن پرستان ظاهری از قلی و قالمهای اینست
و خرمه نا آخر عزرا اند و خسته دیگر بکسر هنگسته نمیشید .
برخیزید که اینبارهای گرگان اعیان نام علامه ملوز
غله و غذای زن بعضی رو مانیون از اسم و نزد مووفات پرست
برخیزید که آبادی در آبادی بست داین بد کرداران .
دشمن آزادی و مانع ترقی ایران نمیشد . برخیزید
با همان جوئی و حسارت فریاد زنید ای دولت ! ای
پیداری آزادی تصور کردید با توفیق بک بکت روح هلاک
و انفراشب افروع کرد و میتوانید آزاده هر چه بگواهید

اقضایی سیاست و اقتصاد این عصر ، بشرت را بیک تحولات عمومی و ادارکرده است زن
تاریخ ، دولتی را تعیید و تجید خواهد نمود که اول پایی ثبات و اقدامات اداره صلح را
عالی کذاشته است .

ایرانیان ملی میشیده و محبت کشیده اند و بجز از حق حقوق و ترقی باهنر خود چنانی نمایند
مقصود بیش جملک گیلان مانند آقاب روشن و واضح است آنهم استقلال ایران و معاد
ایرانیان است ولیم .

کنیت پیشکش دار در درج این جمله بعضی باقایی نگزیر
نمیگشت میتوان فضیله که سایر اخبار ثبت نماید
که با شخصیت نیکوکار داده شده و مسعود محمد بهین
روزی خلاف حق است ذکر نیکوکار بوده است
و خواه بود و مخصوصاً برای طلاقات نایاب نگذشت
از طرف آقامی امیر اسد آمد و بودند آقامی آقا
میز را محدود که از کارگران صادر قرار نمیگشت
بر و سرمهنه و وظایفی را که از طرف هیئت نامور
دوای آن بود این نمود در وقت مالک آقامی امیر اسد
و ذکر نمیگشت باعث این بود که آقامی امیر اسد را با بر قوت بگزین
آنده نهایت این نسبت با عیلی ایاس و امن مقدس آقامی
و ذکر نمیگشت پایین که از اخبار مجهول ملوث شده است
بینجا نهایت باید در چون پیشنهاد نکنند میگشت عده از زندگان از افراد
و زاد اخبار مجهوله خواردهایم.

اینک لازم است که علیت در و آقامی امیر اسد را معتبر این
نماییم.

استخاد
آقامی امیر اسد باعث آقایان امیر تقدیر، نظم‌الملک، سالار شاه
حضرت امیر اسد و بنومن نموده عده از آقایان نایاب‌گان هبته که این
سلام از کسان بگوییم رفته باشان ملاقات کردند شرطی بود که
از طرف نیت ناخواه بودند شهاد و استخاد باشان را میکویند پس
این پیشنهادات و شرط ایجاد شده آقامی امیر اسد و سایر آقایان
پیر مصیانته بدون شائل قبول و قبول این بعده قسم کلام مجد و قدر
نمودند و قریب شده امکنی کیلا و میزان نقاط از شرط این عده از افراد
پیکان مستقر شده و فوایز زبانی خواهند داشت که نمود این تحدیه
باشند.

ترسیک - آقامی سرداری که از هر رسانی برای کریمی علاوه عاج
شخص آقام امیر اسخوسی خود را تزیین کرد و بودند برای طلاقا
اضایه بیت احمد، سلام نزیری فراموشی من شده از طرف نیت با کمال احترام
پیزش شده تهدید از نایاب‌گان نیت فوایز این ملاقات نموده بود
و در پیزش نیت بیشتر نمودند در و آقایان مصیانته تربیک میگردید.

لعن و تعلق این فرد اشیده ترست بادقت باهضاع مرکب است
وانکار بولشویکها نگرید.

تفاصلهای اما

نگل که بین جوان جبور بصیری که احمدی از زندگی ملبی
حضرت نداشت باشد.

استخلاص نام فدا کار اینکه نایاب نجات حقیقت شده
آنکه بکسانی خنده کردند از وجود اهانه معمولین و موقوف
خران برای خواری ملکت.

ضبط کلیه انباء ایام گفتگون بدن فیض - اگر نایابه بگزین
نفرمایند.

مجبر نمودن معمولین در موافقه داران تباشیں مارس فیض
آنکه برای محاکمه دندرا، روکسا، اجزاء ارزشی
نمیگشتند. عرضی.
منع مددی و استعمال سکرات و فیضون. تزلف
وزفعه ایزد امری و نظریه برای خطف نظم داخل.

تبیه فرقه اجباری داخلی برای خردی هاک ذوق شنیان بعالا
وانش راه آهن. اعلان از ارادی و تلاوی حقوق شناسی
انوار کاپیو لا سبیون و سایر ایثارات خارجی و نایاب عذری فیض
اند، مناسب و انتساب و انتشارات لبغاتی.

اخواب آری بخبر نیت بازی نخاف و مطادت را ترک گفته
و خوبی فیض خود را خارج کرده هکیه از اراده ایرانی با گلگانی و
پاره‌ی برای چیات در تزلی ایران گذاشته.

هر کس که پیغام و راجه ای قاصای ماشد مورد تغیر نگیرد
و هر کسی که مقدم بخلاف باشند بکفر فود خواهند بود.
طهوان - مکاره ایان سیفان ایان

باز هم تکذیب

اجبار روزه نامه و خود نیت باقایی ذکر نمیگشت که از از
کن ن صالح عامل کردن نیت بیت اتحاد و سلام دست